بسم الله الرحمن الرحیم

صل الله علیک یا صاحب الزمان ادرکنا

بخش اول:

نقشه :

* + همه ی ما وقتی بازی زندگی رو آغاز کردیم ، با یکسری امکانات روی زمین آمدیم
		- یکی پولدار ، یکی قد کوتاه ، یکی با قد معمولی ، یکی بی پول ، یکی زیبا ، یکی معمولی ، یکی با هوش مادر زادی ، یکی معمولی
		- امکانات شما چیه ؟ (سوال مجریان از خودشان یا از جمع )
	+ طراح نقشه ی زندگی دو نکته ی مهم رو جزو قوائد این نقشه قرار داده
		- حرکت تو توی این نقشه کاملاً منطبق بر اختیار توست
		- همه می تونن موفق بشن
		- جالبه بدونیم این مسیر جوری طراحی شده که هر کس با هر امکاناتی که اومده باشه ، می تونه برنده این بازی باشه . نکته اینجاست که چه برنده و چه بازنده هر چی که بدست اوردی رو همین جا می ذاری و بازی جدید رو با امکانات جدید که در بازی قبل آماده کردی ، ادامه می دی
		- تو هر بازی ، برای برنده شدن ، دنبال نقشه ی اون بازی می گردیم
		- این بازی - زندگی - مثل همه ی بازی های دیگه نقشه داره ، یه نقشه ی کامل . نقشه ای که ما بر اساسش زندگی می کنیم ، برنامه ریزی می کنیم
		- ما اگر فقط طبق آن چیزی که می بینیم حرکت کنیم طبیعتاً به نتجیه نمی رسیم
		- ار فقط یک تکه از پازل نقشه رو در دست داشته باشیم نمی تونیم کل مسیر رو تشخیص بدیم
		- این نقشه یک سری قوانینی داره که ما یک بخشی از آنرا می دانیم و با همان بخش که ممکنه اطلاعاتمون راجع به اون زیاد بشه داریم زندگی می کنیم .
		- مثل این بازی های استراتژی که هر چی جلو تر بری بیشتر می تونی نقشه ی بازی رو پیدا کنی
		- تا حالا فکر کردی که چقدر خوب می شد این نقشه رو از بالا می دید و منحنی هایی که روی اون تاثیر گذاشتند رو می تونستی بشناسی ؟
		- اگر از بالا به تمام این نقشه نگاه کنیم می توانیم قوانین حرکت در مسیر این نقشه رو ببینیم و با آنها آشنا بشیم
		- در تمام مسیر این نقشه قانون هایی وجود داره که روی حرکت ما تاثیر گزاره
		- مثل همین جاذبه (خودکار را می اندازیم )
		- اینکه من به این قانون اعتقاد داشته باشم یا نه ، چیزی از قانون کم نمی کنه منم که ضرر می کنم
		- قانون های استثنایی تو این نقشه وجود داره که دونستن اونها می تونه تاثیر ویژه رو حرکت ما بزاره
		- مثال :
		- سیکل سوخت و ساز بدن
		- بدن دو سیکل سوخت و ساز داره ، یکی چربی سوزی و دیگری قند سوزی
		- برای اینکه بخواییم رژیم موفقی بگیریم باید بدون چگونه سیکل سوخت و ساز بدنمون رو به چربی سوزی تبدیل کنیم
		- تراول
		- یک تراول دارم حاضرم با هر اسکناسی که شما داشته باشید و سه رقم آخر اسکناستون با سه رقم آخر اسکناس من بخونه ، عوض کنم
		- شما به من اعتماد کردید پولهای توی جیب خودتون رو گشتید چون می دیدید که می تونید پولتون رو چند برابر کنید .
		- آیا همین قدر که به من که زیاد هم نمی شناسید اعتماد دارید ، به خداوندی که درقرآن به ما وعده داده که اگر صدقه بدید ، قرض بدید ، من ضمانت می کنم که پولتون رو چند برابر کنم
		- دعای مادر
		- دعایی که هممون تجربه کردیم که می تونه پشتوانه ی حرکتمون در زندگی باشه
		- ان مع العسر یسری
		- خدا این رو به عنوان قانون خودش در این دنیا اعلام می کنه که بعد از هر سختی ، نا امید نشید . تو این مسیر جاده ی منتهی به دره وجود نداره ، صبر داشته باش تا پیچ نجات رو ببینی
		- النجات فی الصدق
		- طبیعیه که نمی رسیم همه ی این قوائد رو گفتگو کنیم و شاید تمام اونها رو هم ندونیم ، ولی بنا داریم گزارشی از چندتا از مهمترین این قوائد رو بگیم که فکر می کنم شما هم با ما هم نظر باشید که توی زندگیمون تاثیر ویژه ای ایجاد می کنه و جزء قوائد کلیدیست
		- برای ما که بدنبال رسیدن به موفقت در این مسیر هستیم ، حداقل شنیدن این قوانین می تونه کمک کننده باشه

بخش دوم

* یک سوال می خوام بپرسم ، همه بهش فکر کنیم
* چه چیزهایی برامون تو زندگی ارزشه ؟
	+ تحصیلات ، خانواده ، فرزندان ، شغل ، پول ، حرفه ی ورزشی و ...
* یک راه شناخت ارزشهای زندگیمون اینه که ببینیم برای چه چیزهایی در زندگیمون بیشترین وقت رو می ذاریم .
	+ روزی 8 ساعت کار می کنم پس نشون می ده که برامون ارزش داره
	+ تحصیلات وقت ویژه از ما می گیره
	+ برای پول درآوردن انرژی و وقت ویژه می ذارم
	+ تربیت فرزندانم
	+ وقت گزاری برای خانواده
* حالا سوال ایجاست که چه چیزهایی برامون ارزش بالاتری نسبت به بقیه داره . چجوری می تونیم ارزش های والای زندگیمون رو بشناسیم ؟
	+ بزارید براتون یک مثال بزنم : فرض کن داری می ری یک قرارداد تجاری پر سود که وقت زیادی هم برای جفت و جور کردنش گذاشتی ، ببندی ! تو مسیر بهت خبر می دن که خدایی نکرده برای مادرت اتفاقی افتاده و الآن بیمارستانه ! این شرایط می شه شرایط بحرانی ، انتخاب ما تو این موقعیت ، ارزش بالای یکی رو نسبت به دیگری نشون می ده . اگر من رففتم سراغ مادرم ، نشون می ده که مادر برای من در زندگی از ارزش والایی برخورداره و بالعکس
* پس در شرایط بحرانی ما می تونیم ارزش های اصلی زندگیمون رو شناسایی کنیم .
* ارزشهایی که اگر بخواییم شمارش کنیم ، شاید تعدادش بیشتر از انگشتهای یک دست نشه
	+ خانواده ، باور ها ، اعتقادات ، فرزندان ، پول ...
* اینا ارزشهایی هستند که خیلی وقتها حاضریم جونمون رو بدیم ولی اینها رو از دست ندیم
* برای حفاظت از اینها همه کاری انجام می دیم . مثلاً همه تجربه کردیم وقتی از بانک بیرون می آییم و پول زیادی همراهمونه ، نگرانیم ، حواسمون جمع که تو شلوغی خیابون و ازدهام اتوبوس و مترو یک وقت کسی از غفلت ما سواتفاده نکنه و جیبمون رو بزنه ! خلاصه دو دستی ارزش هامون رو چسبیدیم !
* سوال ؛ اگر شما بدونید که فلانی کلاه برداره ، حاضرید باهاش معامله کنید؟
	+ اگر بعد از یک بار معامله با کسی فهمیدی که طرف کلاه برداره ف حاضری باز هم باهاش معامله کنی؟
		- طبیعتاً نه !
* پس چرا حواسمون نیست ، من شمایی که اینهمه حواسمون جمع ، دو دستی ارزش هامون رو چسبیدیم که کسی ازمون نگیره ، حواسمون نیست که یک دزد کلاهبرداره خبیث حرفه ای فرصت طلب در زندگیمون وجود داره که بار ها کلاهمون رو برداشته ، ارزش هامون رو ازمون گرفته و لیکن باز هم با یک پیشنهاد جدیدش ، در خونمون رو بروش باز می کنیم !
	+ اون موجود کیه؟!
		- شیطان !
* ابلیس ، همون دزد خبیثیه که لحظه به لحظه منتظر تا ما غفلت کنیم تا ارزش های زدنگیمون رو بگیره
* موجودی با تاریخچه ی طولانی
* تاریخچه ای عجیب که خیلیهامون شاید باهاش آشناییم
* موجودی که می شه ادعا کرد از تمام ما ها خدا شناس تره ، از همه ی ما قوانین نقشه ی زندگی رو بهتر می دونه ، از همه بهتر مسیر سعادت رو می شناسه
* موجودی که یک بخش از عبادتش در درگاه خداوند 6000 سال طول کشید وقتی خداوند دستور می ده که به این مخلوق من - انسان - سجده کن ، تکبر می کنه و سر باز می زنه ! به خداوند می گه خدایا من رو از این کار باز دار و من آنچنان عبادتی تو رو می کنم که هیچ موجودی تا به حال اینگونه تو رو عبادت نکرده
	+ خداوند می فرماید ، این عبادت به درد نمی خوره ، آنگونه که من می گویم باید انجام دهی
	+ تکبر شیطان باعث می شه که از دستگاه الهی اخراج بشه
	+ پس کینه ای از این انسان به دل می گیره که به خداوند می گه تا روز قیامت نمی زارم آب خوش از گلوی این بنده ی تو پایین بره ! قسم می خوره که نزاره هیچ انسانی به سعادت برسه
	+ ولی خدا می فرماید ، تا روز معلوم به تو فرصت می دم ولی بدون که دستت به یک سری از بنده ی های خاص من نمی رسه
* جنگ شروع می شه !
* پس قانون مهمی که داریم ازش صحبت می کنیم اینه که بدونیم تو این مسیری که داریم حرکت می کنه ، موجود خبیثی وجود داره که دشمن راه راسته ، نمی زاره که تو پیروز این مسیر باشی
* شیطان جنگی رو شروع می کنه که تا به الآن ادامه داره . سپاهیانی رو فراهم می کنه که روز به روز کامل تر و مجهز تر می شن
* برای حرکتش استراتژی داره
* وقتی صحبت از سپاهیان شیطان می کنیم ، نیاز نیست خیال پردازی کنید . استراتژی های شیطان و سپاهیانش تو جای جای زندگی ما قابل رویته !
* یکی از مهمترین استراتژی های شیطان اینه که همیشه با یک پیشنهاد اغوا کننده وارد می شه ! حتی برای ماهایی که بار ها تصمیم گرفتیم که دیگه گول شیطان رو نخوریم ، باز هم پیشنهادی وسوسه کننده داره . همیشه ویترینش و بسته بندی پیشنهادش اغوا کنندست .
	+ تو این کار پول خوبی هست
		- ولی پول سالمی نیست
	+ لذت زیادی تو این اتفاقه
		- ولی سلامتی تو این لذت نیست
* یکی از استراتژی های مهم شیطان اینه که دشمن راه راسته !
	+ همیشه کاری می کنه که جای خوب و بعد عوض بشه
		- خوب کار کنی = تراکتور
		- خوب درس بخونی = خر خون
		- زیرآبی بری = زرنگ
		- کلاهبرداری کنی = با هوش
	+ می خوایی به یک فقیر کمک کنی ، هی می آد تو ذهنت که ولش کن ! پس خودت چی ؟! خودت کم می آری ! خودت نیاز داری ، نمی خواد کمک کنی و ...
		- در حالیکه خدا وعده داده ، ضمانت کرده که من مال صدقه دهنده رو چند برابر می کنم
		- تمام تلاش شیطان اینه که منو شما اصلاً متوجه نشیم که خداوند چه پیامی به ما داده
* یک سوال می پرسم ؛ شما چقدر حاضرید که پول بگیرید و آبروی بقل دستی خودتونو ببرید؟
	+ شاید فکر کنید این سوال ، سوال عاقلانه ای نیست ، هیچ کس حاضر نیست اینکار رو انجام بده !
	+ ولی بعضی وقتا تو یه حلتی که رفیقمون حواسش نیست و شاید حالت مناسبی نداره ، موبایل رو در می آریم ، ازش فیلم می گیریم ، واسه خنده و دور هم بودن این فیلم رو بلوتوث می کنیم و ... ! این اسمش آبرو بردن نیست ؟!!
* وقتی صحبت از سپاهیان شیطان می شه ، خیلی نمی خواد ذهنمون راه دور بره ! همین موبایل و خیلی چیزهای دیگه ی دوروبرمون رو اگر با یک نگاه دقیق ببینیم ، می بینیم که می تونن نقش سپاهیان شیطان رو برای رسیدن به اهدافش بازی کنن
* شیطان حمله هایی انجام می ده که هم آشکاره هم پنهان
	+ غیبت : می فهمیم غلطه ولی وقتی مرتکبش شدیم یعنی مورد حمله ی آشکار شیطان قرار گرفتیم
	+ کار خوبی می خوام انجام بدم ولی نیت من رو آلوده می کنه ، برای همین هر کاری می کنم به هدفم نمی رسم ؛ اینجا هم حمله ی پنهان شیطان رو می بینیم
* ممکنه به ظاهر شکست های کوچکی رو قبول کنه ولی همین عقب نشینی موجب می شه جبهه های بزرگتری رو فتح کنه
	+ مثلاً من ترغیب می شم برم مجلس عزای امام حسین (ع) و مجلس گردانی و سخنرانی و مداحی این مجلس رو به عهده بگیرم ولی همین مجلس برای من می شه مقدمه ی کبر و غرور
* همیشه منتظره تا با ارزش ترین ها رو ازم بگیره
* می دونه که ضربه های وچک هم می تونه مقدمه ی ضربه های بزرگتر باشه
	+ من اگر جیوی پدر و مادرم صدام رو ببرم بالا و سرکشی کنم ، این کار مقدمه ی سرکشی در برابر کسیه که به من نعمت داده ؛ پس می تونم جلوی خدا هم سرکشی کنم
* مقیاس و سنجش را عوض می کنه .
	+ مثلاً وقتی یک آدم پولدار می بینم ، جلوش متواضعم چون پولداره ، حتی شاید در دلم معیار کمال آدمی چیزهای دیگه باشه . وقتی مبای تواضع من شد پول اونوقت کسی که پول کمتری داره یا سهم کمتری می بره ارزشش برام پایین تر می آد . برای همین میگم ارزش زن پایین تر از مرده چون ارث کمتری می بره ! مبنا ها عوض شده
* یکی از سپاهیان ویژه ی شیطان ، لشکر سرگرمی است .
	+ افرادی که در حوزه ی موفقیت پیام می دن ، روی یک نکته ی مهم تاکید دارن که اگر می خوای برای چیزی وقتتو بزاری ، برای چیزی وقت بزار که می خوای موفقت کنه . در حالیکه هر هدفی که من دارم رو این سرگرمی مورد حمله قرار می ده . یا بگوه ای عمل می کنه که اهداف من تحت الشعاع ظواهر دنیا باشه .
	+ برای همینه ک می گن دنیا مثل سایه می مونه هرچی بری دنبالش ازت دورتر می شه و اگر بهش پشت کنی ، می آد دنبالت
* و مهمترین استراتژی شیطان اینه که نمی ذاره هیچ ارزشی توی زندگی برامون باقی بمونه !
	+ بچت برات عزیزه؟ ! کاری می کنم که داغ بچت به دلت بمونه
	+ خانوادت مهمه ؟! چقدر سراغ داریم خانواده هایی رو که از هم پاشیدن ؟!
	+ اعتقاداتت مهمه؟! هزارتا راه نا حق جلوی پات می زارم که راه حق رو گم کنی
	+ ...
* پس چی شد؟! ما ها که دنبال موفقیت تو زندگی هستیم ، پس این چه نقشه ایه که خدا واسه ی ما گذاشته؟
* چجوری می شه خدا شیطان رو تو این دنیا ول کرده ، زور من هم بهش نمی رسه ، اونوقت می گه امتحانتم می کنم ؟!
* کی می تونه با این موجود مقابله کنه؟؟!
* برگردیم به داستان شیطان ! اگرر یادتون باشه ، خدا یک استثنایی برای شیطان گذاشت و گفت تو دستت به یکسری از بنده های من نمی رسه ! اونها در امانند
* من خدا یک قلعه ای درست کردم ، یک خانه ی امنی درست کردم که هر کس رفت توی اون خونه ، دست شیطان بهشون نمی رسه
* اگر شیطان این سگ حار تو این مسیر دنبالمونه ، خداوند راه نجاتی رو در کنار همین خطر برامون گذاشته که توجه به اون موجب نجات و موفقیت تو مسیر زندگیه!

بخش سوم

* راه نجات خدا ، قانون ویژه ی خداست تو این نقشه که تمام دشمنی های شیطان حول این موضوعه که ما این راه نجات رو نشناسیم
* خداوند در هر زمانی در کنار این خطر بزرگ فردی رو قرار داده ، که با او بودن و در کنار او بودن راه نجات و سعادته
* خدا گفته اگر زورت به این شیطان نمی رسه - که نمی رسه - برو سراغ این آدما
* این قلعه ی امن خدا امروز ، در زمان ما در کنار تمامی سختیها و شیطنت ها ، آغوش باز جوانمردیه که حتی اگر تا امروز اون رو نمی شناختیم ، ما رو از بسیاری از خطر ها دشمنی های شیطان در امان نگه داشته
* فردی که خداوند فرموده در هر زمان حجت من و امام زمان شماست در امروز
* امام زمانی که برای ما معرفیشون کردند ، فردی که مصداق خدائی کردن خداست برای ما
* عزیزی که برای توصیفش او رو از پدر مهربانتر معرفی می کنند .
* آغوش پرمهر این از پدر مهربانتر تنها پناهگاه امن نجاتی است که خداوند برای سعادت و خوشبختی برای ما کنار گذاشته
* آغوشی که اگر به اون چسبیدیم ، اگر اون رو رها نکردیم می شیم مصداق اون آدمایی که خدا وعده داده که دست شیطان به ما نمی رسه
* پناه خدا برای امروز ما ، آغوش امن پدرانه ای که هدیه ی ویژه ی خداست برای من و شمای امروز وجود مقدس عصر مهدی صاحب زمان است
* مهدی بوده و هست ، این مائیم که باید برا نجات دست به دامن او شویم
* مائیم که آغوش پدرانه ی او رو نباید هیچ وقت ترک کنیم
* او پدری خودش رو می کنه ، من باید حواسم باشه که ناخلفی نکنم
* خوب که نگاه می کنم ، می بینم شاید از وجود او غافل بودم ولی او از من غفلت نکرده و بار ها و بارها من رو از سقوط و بدبختی نجات داده و شاید اففسوس این رو خورده که چرا چشمهام رو باز نمی کنم و حضور پر رنگ او رو در زندگیم نمی بینم
* حالا که خوشبختی رو می بینیم ، حالا که راه نجات رو پیدا کردیم ، حالا که مهربونی خدا رو تو زندگیمون حس می کنیم ، وقتشه که دست در دست این پدر مهربان ، نقشه ی زندگی رو به سمت خوشبختی ، طی کنیم
* و یادمون نره تمام لذتها یکطرف ، لذت در کنار این مهربون بودن و زندگی کردن و او را دیدن یک طرف
* اینهمه این پدر برای ما پدری کرده ، حالا بیاییم ما براش فرزندی کنیم ، بیاییم همه با هم ، یکدل و یک صدا خوشحالی او رو از خدا بخواییم
* و چه چیزی این عزیز رو خوشحال تر می کنه بیشتر از به اتمام رسیدن دوران غربت و تنهایی او
* پس بیاییم باهم پایان این دوران سخت رو از خداوند تمنا کنیم

اللهم عجل لولیک الفرج